



یادداشت

مذاکرات در خدمت پیروزی مردم، یا بقای رژیم؟

صادق کار



از زمانی که مذاکرات هسته‌ای بین آمریکا و رژیم ایران به جریان افتاده است بحث بین مخالفان و موافقان آن شروع شده است. بحث اصلی بر سر این است که موفقیت مذاکرات به سود مردم است یا علیه منافع مردم و به سود رژیم است. واقعیت این است که اکثر مردم و بیشتر احزاب اپوزیسیون از انجام مذاکرات حمایت کرده و امید دارند، مذاکرات به نتیجه برسد و سایه جنگ را از سر مردم دور کند و به مبارزات مردم برای سرنگون کردن رژیم آسیبی وارد نکند.

پذیرش انجام مذاکره با دولت ترامپ هیچ کس تردید ندارد که از موضع ضعف و پیامد شکست مفتضحانه سیاست ماجراجویان و پر هزینه رژیم است که در عمل به ضد اهداف رژیم منجر شد و ضربات سنگینی بر کشور وارد کرد. مذاکره در چنین شرایطی که رژیم از هر سو در داخل نیز در محاصره بحرانها و اعتراضات اجتماعی قرار گرفته، اگر به موفقیت برسد نمی تواند به نفع رژیم باشد، بهمین خاطر می تواند در خدمت مردم در مبارزه علیه رژیم عمل کند زیرا نارضایتی و اعتراضات اجتماعی گسترده است و رژیم نه می تواند به اعتراضات پایان دهد و نه راه کاری برای رفع بحرانها و مطالبات انبوه شده مردم دارد. پیشرفت و موفقیت مذاکرات علاوه بر اینها به شکاف و تفرقه و انفعال و سرخوردگی در درون رژیم دامن خواهد زد و اعتباری برای رژیم در میان نیروهای خودش باقی نخواهد گذاشت.

در حین مذاکرات نیز اعتراضات اجتماعی نه تنها کاهش پیدا نخواهد کرد بلکه همچنان که ملاحظه می کنیم بیشتر خواهند شد.

در طول این هفته اعتراضات گروه های اجتماعی و کارگری شدت بیشتری پیدا کرد و به غیر از کارگران و بازنشستگان که در این هفته شاهد گسترده تر شدن اعتراضات شان بودیم، تظاهرات خیابانی متعددی نیز از سوی نانوائی ها، معترضان به قطع پیاپی برق، کامیون داران معترضان به مجازات اعدام و غیره را نیز شاهد



بودیم. اینها البته اعتراضاتی بودند که اخبار آنها در برخی رسانه ها و شبکه های اجتماعی منتشر شد. اما ابعاد اعتراضاتی که خبر آنها منتشر نمی شود خیلی بیشتر از آنهایی است که اخبارشان منتشر می شود. بیشترین اعتراض را کارگران صنعت نفت در روزهای ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت انجام دادند و در یکی از این تظاهرات که در مقابل وزارتخانه نفت در تهران روز ۱۷ اردیبهشت برگزار شد نمایندگان چندین کارخانه از شهرهای مختلف برای شرکت در این اعتراض به تهران آمده بودند. با این حال تقریباً همه ی این اعتراضات نتیجه عملی ملموسی در بر نداشت. یعنی در واقع وضعیت بحرانی کشور به جایی رسیده که حکومت به چنان استیصال رسیده که کاری به غیر از سرکوب و اعدام از دست اش بر نمی آید.

طبعاً این وضع هم نمی تواند به این شکل دوام چندانی بیاورد. قطع مکرر و طولانی مدت برق و آب برای نانوایی ها و بسیاری دیگر از کسبه و زیانهای که از این راه به آنها وارد می شود نه تنها قابل تحمل نیست بلکه می تواند به کمبود نان و مواد غذایی منجر شود.

نارضایتی سایر گروه های اجتماعی بخصوص در مناطق گرمسیری جنوب کمتر از اهل کسب کار و کارگرانی که در اثر قطع برق با خطر بیکاری دست بگریانند نیست.

وقتی به صفحات رسانه های اجتماعی مجازی مراجعه می کنیم با انبوهی از گزارش و اعتراض به وضعیت موجود مواجه می شویم که بخشی از نارضایتی اقبال مختلف در آنها منعکس است. کمبود و گرانی دارو و مواد غذایی را که اظهر من الشمس است و افزایش تورم را هم اگر در نظر آوریم و همه ی این موارد را سر هم کنیم، آنوقت به این فکر می کنیم که با این همه بحران و حکومتی که برآستی در استیصال بسر می برد چگونه قیام نمی شود و حکومت با وضعیتی که دارد هنوز سقوط نکرده است. یکی از دلایل آن می تواند امید به رسیدن مذاکرات با امریکا و لغو تحریمها و آنطور که تبلیغ می شود سقوط قیمت ها باشد. در اینکه چنین امیدی در میان گروه های وسیعی از مردم وجود دارد و رسانه ها حکومتی نیز در مورد تاثیر موفقیت مذاکرات عامداً برای مهار اعتراضات اغراق می کنند، شک نیست.

شرایط بحرانی برای رژیم هر روز که می گذرد دشوارتر می شود و اعتراضات نیز به موازات آن رشد می کند و رایکالتر می شوند. رژیم در وضعیت کنونی تلاش می کند از طریق مذاکره هم امید به بهبود وضع را القا کند و هم مانع از یک کاسه شدن اعتراضات علیه خود بشود و بهر حال در این کار موفقیت های کوچکی به دست آورده است. متوقف شدن سیر صعودی قیمت سکه و ارزهای خارجی و تبلیغات اغراق آمیز بعضی از رسانه مبنی بر افزایش ارزش ریال در صورت رسیدن به توافق و گل و بلبل شدن اوضاع حاکی از آلقاء این خوشبینی است.

اکثریت مردم پذیرش مذاکره را از این لحاظ که شکست سختی برای رژیم می فهمند و هم به این خاطر که برآستی در آرزوی موفقیت مذاکرات و دفع خطر جنگ هستند، برای این که این روند به نتیجه برسد، وضعیت فعلی را موقتاً تا حدودی تحمل می کنند. ولی هم رژیم و هم مردم می دانند موفقیت احتمالی مذاکرات به منزله پذیرش شکست سیاستهای پر هزینه داخلی و خارجی رژیم است و حتی اگر دولت ترامپ با بعضی از درخواست های رژیم موافقت نماید، نتیجه مذاکرات موقعیت رژیم در جامعه را تضعیف و امکان روند سرنگونی یا فروپاشی آن را تسریع می کند.

مصیبتهای وارده به کشور سنگین تر از آن هستند که از طریق معامله با ترامپ رفع و رجوع شوند. قدم اول برای قرار گرفتن کشور در مسیر صحیح بر چیدن بساط رژیم استبدادی، فاسد و مافیایی اسلامی و استقرار



جمهوری سکولار دمکرات فدرال بجای آن است. چنان نظامی که برای اولین بار در تاریخ این کشور همیشه دیکتاتور زده آزادی و عدالت اجتماعی را برای همه ی ساکنان کشور بدور از هر نوع تبعیض و تنگ نظری تامین نموده و بتواند مردم را از فقر و بی عدالتی و عقب ماندگی از هر حیث رها سازد.

اکثریت مردم پذیرش مذاکره را هم از این لحاظ که شکست سختی برای رژیم می فهمند و هم به این خاطر که برابری در آرزوی موفقیت مذاکرات و دفع خطر جنگ هستند، برای این که این روند به نتیجه برسد، وضعیت فعلی را موقتاً تحمل می کنند. ولی هم رژیم و هم مردم می دانند موفقیت احتمالی مذاکرات به منزله پذیرش شکست سیاستهای پر هزینه داخلی و خارجی رژیم است و حتی اگر دولت ترامپ با بعضی از درخواست های رژیم موافقت نماید، موقعیت رژیم را تضعیف و امکان روند سرنگونی یا فروپاشی آن را تسریع می کند. با این همه پیداست که پیروزی بر رژیم تنها با گسترش بیشتر اعتراضات عملی نخواهد شد. هم اعتراضات باید گسترده تر، سازمان یافته تر شوند و هم با هم پیوند بخورند. زمینه پیوند میان اعتراضات هم اکنون بسیار قوی است و می تواند از کارگر شاغل و بازنشسته و معلم و پرستار تا نانو و کسبه معترض به بی برقی تا کارکنان دولت و کشاورزان هستی از دست داده را در بر بگیرد همه ی اینان انگیزه های مشترکی برای پیوستن به هم و رفتن بسوی اعتصاب عمومی دارند.

اردیبهشت ۱۴۰۳ ۱۸

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!

تحول اندیشه درباره فقر: بررسی تعاملات بخش سوم

Lyn Squire و لین اسکوائر Ravi Kanbur نوشته راوی کانبور





درآمد و مصرف ۲.

۲.۱ اندازه‌گیری‌های متعارف

بر اساس تعریف رایج، فقر عبارت از وضعیتی است "که فرد از میزان معمول یا از نظر اجتماعی پذیرفته شده‌ای از پول یا دارایی‌های مادی برخوردار نیست". این تعریف دو نکته مهم را در بر دارد. نخست این که تعریف فقر در زمانها و جوامع مختلف متفاوت خواهد بود – آنچه در هند "از نظر اجتماعی پذیرفته شده" تلقی می‌شود، ممکن است با آنچه در ایالات متحده آمریکا پذیرفته است، متفاوت باشد. دوم، تمرکز این تعریف بر توان خرید کالا و خدمات (پول) یا مالکیت آنها (دارایی‌های مادی) است. همان گونه که خواهیم دید، بسیاری از تلاشها برای اندازه‌گیری فقر بر همین دو مفهوم استوار اند.

یکی از پیشگامان اندازه‌گیری فقر، با تخمین (Benjamin Seebohm Rowntree) بنجامین سیبوم رونتري بودجه‌ای که برای تأمین "حداقل نیازهای لازم برای حفظ کارایی صرفاً جسمانی" در شرایط خاص شهر یورک در آغاز قرن بیستم لازم بود، به رقمی "از نظر اجتماعی پذیرفته شده" برای میزان درآمد رسید. او بر اساس محتوای تغذیه‌ای مواد غذایی مختلف و قیمت‌های محلی آنها، نتیجه گرفت که پانزده شیلینگ حداقل بودجه‌ای است که برای تغذیه یک خانواده شش نفره در طول یک هفته لازم است. با افزودن هزینه‌هایی برای مسکن، پوشاک، سوخت و سایر ملزومات، او به خط فقر بیست‌وشش شیلینگ برای یک خانواده شش نفره رسید، که نرخ فقر در یورک را حدود ۱۰ درصد برآورد می‌کرد.

هرچند از همین رویکرد در کشورهای دیگر و در زمانهای مختلف برای اندازه‌گیری فقر استفاده شده است، اما نتیجه حاصل بسیار وابسته به شرایط محلی است. برای نمونه خط فقر در هند و آمریکا، کمابیش بر همین اساس تعیین شده‌اند، اما وقتی هر دو را به دلارهای "برابری قدرت خرید" در سال ۱۹۸۵ تبدیل کنیم، خط فقر ایالات متحده، بسته به اندازه خانوار، بین ده تا بیست برابر بیشتر از خط فقر هند است. این تفاوت نشان‌دهنده تمایل خطوط فقر به تغییر در گذر زمان، همزمان با افزایش میانگین درآمدها و تحول در تلقی جامعه از "حداقل نیازها" است.

یک مطالعه درباره خط فقر – یعنی بودجه برای "حداقل معاش" – در فاصله سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۶۰ در آمریکا نشان داد که این بودجه به ازای هر یک درصد افزایش درآمد سرانه قابل تصرف جمعیت عمومی، به میزان ۰/۷۵ (Mollie Orshansky) درصد افزایش یافته است. بنابراین، در مقایسه با آستانه فقر مطلق که مالی اورشانسکی برای سال ۱۹۶۳ تعریف کرد، بودجه حداقل معاش در سالهای پیش از جنگ جهانی اول، به دلار (Orshansky) ثابت، بین ۴۳ تا ۵۴ درصد آن بود. این بودجه تا سال ۱۹۳۳، به ۵۳ تا ۶۸ درصد "آستانه اورشانسکی" رسیده بود. بودجه "اضطراری" در دوران رکود بزرگ (سال ۱۹۳۵) حدود ۶۵ درصد و خط درآمد پایین برای سال ۱۹۵۷ حدود ۸۸ درصد از آستانه اورشانسکی را تشکیل می‌دادند.

این واقعیت که تصور عمومی از میزان لازم برای "گذران زندگی" با افزایش درآمدهای عمومی رشد می‌کند، در نقل قولی از سال ۱۹۳۸ به خوبی منعکس است: "یک بودجه استاندارد که در دهه ۱۸۹۰ تدوین شده بود، مثلاً جایی برای وسایل برقی، خودرو، اسفناج، رادیو و بسیاری چیزهای دیگر نداشت؛ چیزهایی که در مدل رفاه سال ۱۹۳۸ جای دارند. و بودجه سال ۱۹۵۰ بی‌تردید بودجه کنونی را به اندازه دامنهای قدیمی مضحک جلوه خواهد داد". با پیشرفت تکنولوژی و افزایش سطح زندگی عمومی، سه عامل بر فقر تأثیر می‌گذارند: کالاهای مصرفی جدید که ابتدا لوکس به نظر می‌رسند، به تدریج به عنوان وسایل راحتی و سپس به عنوان



نیازهای ضروری تلقی می‌شوند؛ تغییر در شیوه سازماندهی جامعه ممکن است دستیابی به یک هدف خاص را برای فقرا پرهزینه‌تر کند - مثلاً زمانی که مالکیت گسترده خودرو باعث کاهش کیفیت حمل و نقل عمومی می‌شود؛ و در نهایت، ارتقای عمومی استانداردهای اجتماعی ممکن است موجب پرهزینه‌تر شدن زندگی برای فقرا شود، مثلاً وقتی قوانین ساختمانی الزام می‌کنند که همه خانه‌ها به لوله‌کشی داخلی مجهز باشند و این امر هزینه مسکن را افزایش می‌دهد.

زمانی که یک خط فقر تعریف شد، می‌توان آن را بر داده‌های مربوط به درآمد یا مخارج اعمال کرد. بیشتر تحلیلگران استفاده از داده‌های مربوط به مخارج را ترجیح می‌دهند. در بسیاری موارد، اندازه‌گیری مخارج آسانتر است. این معیار همچنین از نظر مفهومی نیز مزیت دارد؛ اگر درآمدها در گذر زمان با الگویی نسبتاً قابل پیش‌بینی نوسان کنند (چنان که مثلاً در یک اقتصاد روستایی احتمال دارد)، خانوارها می‌توانند تا این (Harris) و هریس (Anand) اندازه‌ای با "هموارسازی" مصرف، اثر نوسانات درآمد را کاهش دهند. آناند وضع را با استفاده از داده‌های سریلانکا بررسی کرده اند. آنها این فرض را مطرح کردند - و دریافتند - که درآمد شاخصی پرنوسان و نامطمئن به‌عنوان یک معیار پایدار است، در حالی که مخارج کل سرانه خانوار نوسان کمتری دارد و بنابراین گزینه بهتری برای اندازه‌گیری رفاه به شمار می‌رود.

اردیبهشت ۱۴۰۴ ۱۸

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!

تداوم تبعیضات مضاعف و ستمگرانه علیه زنان در بازار کار و ضرورت توجه به آن

صادق





تنها در خیابان و کوی و محله و اماکن نیست که زنان با انواع تبعیضات از سوی ماموران تفتیش و سرکوب مواجه هستند. اگر در جامعه زنان به بهانه رعایت نکردن قوانین ارتجاعی برآمده از تفکرات ۱۴۰۰ سال پیش مورد تبعیض و سرکوب قرار می گیرند، در کارخانه و اداره نیز با تبعیض مضاعف مواجه اند. نفع اعمال تبعیض در محل کار را نیز سرمایه داران و دولتها می برند. درست مانند زمان آغاز استقرار نظام سرمایه داری که به زنان و کودکان دستمزد کمتری می دادند. بعد از گذشت نزدیک به ۱۵۰ سال از آن دوران سرمایه داران در حکومت اسلامی باید سپاسگزار رژیم باشند که به پیروی از شرع مقدس امکان ندادن بخشی از دستمزد زنان را به آنها داده است. اگر جمع بیندند سالیانه مبلغ کلانی از این بابت سود اضافی گیرشان می آید.

یکی از زنان کارگر بنام افسانه اقبال نیا که خبرگزاری ایلنا بعنوان فعال کارگری از وی نام برده، اخیراً در **برقراری حمایت از حقوق برابر زن و مرد شده است** یادداشتی خواستار

او برای نمونه به پرداخت نکردن حق اولاد و عائله مندی برای زنان شاغل و عدم انتقال حقوق بازنشسته زن به وراث ذی حق که به مردان تعلق می گیرد اما به زنان تعلق نمی گیرد اشاره می کند و خطاب به دولتمردان می نویسد

جامعه ای که در آن زن و مرد با حقوق برابر زندگی و کار کنند، جامعه ای سالم، پویا و پیشرو " خواهد بود. بیایید با صدای بلند خواستار اجرای عدالت باشیم و از برابری حقوقی و انسانی زنان و مردان، به ویژه در حوزه های شغلی و رفاهی، حمایت کنیم. امروز زمان آن است که قانون با واقعیت های جامعه همسو شود و زنان شایسته این سرزمین را در مسیر زندگی و شغل، با "کرامت و عدالت همراهی کند

چند هفته پیشتر نیز زن کارگر دیگر بنام سیمین یعقوبیان "بمناسبت روز جهانی کارگر در همین رسانه به گوشه های دیگری از اعمال تبعیض مزدی نسبت به زنان پرداخت و از آن اظهار تاسف کرد و گفت

بسیاری از بانوان شاغل گزارش می دهند که مدیران به دلایلی مانند کمبود نیرو از اجرای کامل قوانین خودداری می کنند. همچنین، برخی مادران از ترس از دست دادن شغل، تنها بخشی از مرخصی زایمان خود را استفاده می کنند. در بخش خصوصی، اجرای قوانین با مقاومت بیشتری مواجه است. بسیاری از شرکت های خصوصی کوچک به بهانه های مختلف از استخدام زنان متأهل یا مادران خودداری می کنند یا پس از اطلاع از بارداری، قرارداد آنها را تمدید نمی کنند. ضمناً قوانینی مانند الزام به ایجاد مهدکودک در ادارات یا همکاری با مهدکودک های نزدیک، به دلیل کمبود بودجه اغلب اجرا نمی شوند. نبود مکانیزم های نظارتی مؤثر نیز مزید بر علت شده و موجب گردیده بسیاری از کارفرمایان بتوانند از اجرای قوانین شانه خالی کنند.

ایجاد محدودیت های دیگر برای ورود زنان کارگرو موارد دیگری از تبعیض را هم می توان به این گفته ها اضافه کرد.

نابرابری و تبعیض البته هنوز در اکثر کشورهای پیشرفته گر چه کمتر شده و در برخی کشورها به حداقل رسیده، هنوز وجود دارد با این همه وجود تبعیضات بین زنان و مردان از هیچ نظر قابل مقایسه با ایران نیست و بخش عمده ی آن ناشی از نگاه ایدئولوژیک رژیم و به جان سختی بقایایی فرهنگ و سنت های پدر سالاری در ایران بر می گردد که این تبعیضات فقط در بازار کار نیست و کل جامعه را در بر می گیرد.



متأسفانه جریانات فمینیستی در سالهای اخیر کمتر به تبعیضات شغلی علیه زنان پرداخته‌اند و بعضاً هم سعی کرده‌اند تبعیض علیه زنان را به مسئله حجاب محدود نمایند و کمتر به تبعیضاتی که در بازار کار وجود دارد و برای زنان کمتر از حجاب اجباری آزار دهنده نیست پرداخته‌اند. این در حالی است که اشتغال و برابری دستمزد با مردان بنیاد استقلال اقتصادی زنان را تشکیل می‌دهد و نداشتن شغل و درآمد عامل اصلی در نداشتن استقلال برای زنان است و زنان فاقد کار و درآمد نمی‌توانند به خوبی از حقوق خود دفاع کنند.

بهر حال جنبش زنان برای اینکه بتواند به جنبش فراگیر با پایه گسترده تبدیل شود، لازم است به طور جدی برابری زنان با مردان در محل‌های کار را نیز مد نظر قرار دهد.

اردیبهشت ۱۴۰۳ ۱۸

اوج‌گیری سرسام‌آور هزینه‌های نظامی در جهان

دانیکا راشل



براساس آخرین برآوردهای مؤسسه‌ی تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، کل هزینه‌های صرف شده برای جنگ یا آمادگی برای آن در سال ۲۰۲۴ حدود ۲.۷ تریلیون دلار آمریکا بوده است که بر اساس ارقام واقعی (تورمزدایی شده) ۹.۴ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۳ است. این بزرگ‌ترین افزایش سالانه از زمانی است که این مؤسسه در سال ۱۹۸۸ شروع به دنبال کردن هزینه‌های نظامی جهان کرده است.

ایالات متحده همچنان با ۹۹۷ میلیارد دلار هزینه، بزرگ‌ترین هزینه‌کننده‌ی نظامی جهان است که ۳۷ درصد از کل هزینه‌های جهانی را تشکیل می‌دهد. چین با فاصله‌ی زیادی در رتبه‌ی دوم قرار دارد و حدود ۳۱۴ میلیارد دلار هزینه کرده است. پنج کشور برتر (از جمله روسیه، آلمان و هند) ۶۰ درصد از کل هزینه‌های جهانی را تشکیل می‌دهند. پانزده کشور برتر، از جمله استرالیا، همگی هزینه‌های نظامی خود را افزایش داده‌اند و چهارپنجم کل هزینه‌های جهانی را تشکیل می‌دهند و در سال ۲۰۲۴ در مجموع ۲.۱ تریلیون دلار هزینه کرده‌اند.



رشد هزینه‌ها بخشی از یک روند بلندمدت‌تر است. سال گذشته دهمین سال متوالی افزایش هزینه‌های نظامی جهانی بود که در مجموع ۳۷ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۵ بود.

در حالی که هزینه‌های نظامی ایالات متحده بیش از سه برابر چین است، افزایش واقعی ده ساله‌ی پکن تقریباً ۶۰ درصد است که حدود سه برابر رقم ۱۹ درصد آمریکا است. با افزایش تنش‌ها بین دو قدرت بزرگ، سایر کشورها برای حفظ جایگاه خود در حال پیشروی هستند.

مسیر اروپا چشمگیرتر است. اعضای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در دهه‌ی گذشته هزینه‌های نظامی سالانه‌ی خود را بیش از دو برابر کرده‌اند. در میان آنها آلمان قرار دارد که در عرض یک سال هزینه‌های نظامی خود را ۲۸ درصد افزایش داده و به ۸۸.۵ میلیارد دلار آمریکا رسانده است و این کشور را به بزرگترین هزینه‌کننده در اروپای غربی تبدیل کرده است.

این افزایش شامل استرالیا نیز می‌شود، جایی که وفاداری بی‌چون‌وچرا به ایالات متحده برای دهه‌ها سیاست اصلی دولت‌های کارگر و لیبرال بوده است. هزینه‌های نظامی استرالیا در سال ۲۰۲۴، ۲۵ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۵ بود. با این حال، افزایش‌های بزرگ مرتبط با دستیابی به زیردریایی‌های هسته‌ای هنوز احساس نشده است. دولت قرار است صدها میلیارد دلار را که باید صرف مسکن عمومی، رفاه و مراقبت‌های بهداشتی شود، هزینه کند.

این روندها ادامه خواهد یافت. و این ثروتمندان نخواهند بود که هزینه‌ها را پردازند - این افزایش به قیمت از دست رفتن خدمات اجتماعی و افول سطح زندگی طبقه‌ی کارگر تمام خواهد شد.

تنها کسری از پولی که صرف تسلیحات می‌شود برای پایان دادن به گرسنگی در جهان (۴۸ میلیارد دلار آمریکا در سال، طبق برنامه‌ی جهانی غذا) و فراهم کردن دسترسی جهانی به آب آشامیدنی سالم و بهداشت برای ۱۴۰ کشور با درآمد کم و متوسط (۱۳۸ میلیارد دلار آمریکا در سال، طبق گزارش سازمان ملل) کافی است.

اما اولویت‌های سرمایه‌داری جای دیگری است. جانان گانش، ستون‌نویس محافظه‌کار بریتانیایی، در مقاله‌ای در ماه مارس در فایننشال تایمز با عنوان «اروپا باید دولت رفاه خود را برای ایجاد یک دولت جنگی اصلاح کند»، به صراحت بیان کرد: «دولت رفاه، آن‌گونه که ما می‌شناسیم، باید تا حدودی عقب‌نشینی کند: نه آنقدر که دیگر آن را با این نام صدا زنیم، بلکه آنقدر که آسیب نرساند. این دولت هرگز برای جهانی طراحی نشده که در آن زندگی تا ۱۰۰ سالگی عادی شده باشد».

هر دلاری که به بودجه‌ی نظامی جهان اضافه می‌شود، ما را به سناریوی آخرالزمانی جنگ جهانی نزدیک‌تر می‌کند. طبقات کارگر هیچ کشوری از این موضوع سودی نخواهند برد. باید در برابر این جنگ مقاومت کرد.

نقد اقتصاد سیاسی

اردیبهشت ۱۴۰۴ ۱۸

نابود باد جنگ و استبداد زنده باد صلح و آزادی!



اعتراض کافی نیست، اعتصاب باید کرد

ع امید



در روزهای ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت کارگران چندین شرکت نفتی و گازی در شهرهای مختلف تظاهرات برگزار کردند. کارگران شاغل و بازنشسته صنعت نفت در گچساران، تهران، اهواز، کارکنان شرکت نفت فلات قاره، کارکنان سکوی عملیاتی نصر منطقه سیری در این اعتراضات شرکت داشتند

شمار زیادی از کارگران و کارکنان پیمانی "ارکان ثالث نفت" نیز در ۱۷ اردیبهشت برای اعتراض به قراردادهای پیمانی عازم تهران شدند و در مقابل وزارتخانه نفت تظاهرات و خواهان تبدیل قراردادهای خود شدند

ایلنا به نقل از کارگران معترض مقابل ساختمان وزارت نفت نوشت

این کارگران که طرف قرارداد با شرکت‌های مختلف هستند و در مناطق عملیاتی متفاوت مشغول به کار، "امروز (هفدهم اردیبهشت) به تهران آمدند و مقابل وزارت نفت در خیابان حافظ تهران تجمع اعتراضی ترتیب دادند.

این کارگران که بیش از سه سال است در انتظار اجرای ساماندهی و حذف شرکت‌های واسطه هستند؛ می‌گویند: مدام وعده و وعید شنیدیم اما پیمانکاران جای پایشان قرص‌تر و محکم‌تر شد" این خبر گزاری تعداد کارگران پیمانی را یم میلیون اعلام کرد و افزود "گفتنی‌ست بیش از یک میلیون کارگر شرکتی و ارکان ثالث نهادهای دولتی از جمله وزارت نفت، بیش از سه سال است در انتظار اجرای طرح ساماندهی هستند تا با "حذف پیمانکاران قرارداد مستقیم شوند؛

البته این یگانه دلیل اعتراضات دو روز گذشته و اعتراضات پرشمار کارگران صنعت نفت و گاز نیست. آنها مطالبات گسترده تری دارند. از لغو قراردادهای اسارت‌بار پیمانی و موقت، تا افزایش دستمزد و حقوق، ۱۴ روز مرخصی ماهانه در مقابل دو هفته کار پیوسته، رسیدگی به خوابگاه‌ها از لحاظ بهداشتی و رفاهی، اجرای



طبقه بندی مشاغل تا داشتن حق تشکل مطالبات دیگر کارگرانی است که برای شرکت‌های پیمانکاری کار می‌کنند.

اما حذف شرکت‌های واسطه‌ای و انعقاد قرارداد مستقیم از آنجا که با انجام آن بخشی از مشکلات شان رفع می‌شود برای این گروه از کارگران فعلاً اولویت بیشتری دارد.

سه سال پیش به هنگام اعتصاب بزرگ و سراسری کارگران پیمانی دولت و مجلس برای فرونشاندن اعتصاب وعده تبدیل قراردادهای پیمانی و حذف واسطه‌ها را که در واقع نقش انگلی دارند دادند. قانونی نیز در این ارتباط در مجلس ظاهر به تصویب رسیده است که هنوز بین مجلس و شورای نگهبان و مجلس تشخیص مصلحت سرگردان مانده است، با این همه دولت به رغم اعتراضات مکرر کارگران که خواستار تعیین تکلیف خود هستند پاسخی عملی به کارگران نداده است.

امتناع دولت از اجرای مطالبه کارگران نشان می‌دهد که تمایلی برای این کار ندارد. این به معنی آن است که انبوه اعتراضات کارگران پیمانی در دو سه سال سال گذشته در حدی که بتواند دولت و صاحبان شرکت‌های واسطه‌ای و دلال را وادار به پذیرش اجرای خواسته کارگران نماید، نبوده است. زیرا اعتراضاتی که به متوقف کردن تولید نشود لزوماً در کشوری مانند ایران نمی‌تواند باعث عقب نشینی حکومت و تن دادن به مطالباتی شود که ذره‌ای در مورد حقانیت شان تردید وجود ندارد.

در مورد قراردادهای موقت کار که بنا به اذعان خودشان ۹۶ درصد نیروی کار را در بر گرفته نیز رفتار حکومت به همین گونه است. قوانینی که پیشنهاد و ظاهر تصویب شده است رسمی کردن کارگران قراردادی در مشاغل دارای ماهیت مستمر را به بعد از چهار سال کار در یک موسسه مشروط کرده است. این قانون نیز به رغم همه‌ی ایراداتی که به آن وارد است، راه‌های زیادی را برای امتناع کارفرمایان از اجرای قانون باقی گذاشته است و عملاً به نفع کارفرمایان دولتی و خصوصی است، زیرا کارگر موقت را وادار می‌کند برای اینکه بعد از چهار سال رسمی شود و از مزایای کارگران رسمی بهره‌برد هر زورگویی و ستمی را که بر او روا داشته می‌شود بپذیرد. در عین حال کارفرما می‌تواند حتی یک روز به پایان ۴ سال کار برده‌وار کارگر وی را به هر دلیل از کار اخراج کند و بجای آن کارگر دیگری را بری سه سال و ۳۶۴ روز به صورت موقت به کار بگیرد.

وجود کار پیمانی و قرار دادهای موقت که ۹۶ درصد کارگران را به اسارت گرفته، دلایل اقتصادی و رانتی دارد. از لحاظ اقتصادی دستمزد و مزایا باعث نصف شدن دستمزد و حقوق کارگر و محرومیت کارگر از حقوق قانونی اش می‌شود و امنیت شغلی و به تبع آن امنیت اجتماعی کارگر را به شکل بیرحمانه فدای سود افزایی کارفرمایان می‌کند. از سوی دیگر باعث رانت و فساد در دستگاه‌های حکومتی و تنیدن شدن منافع آنها با دلالان و ریسوخ و نفوذ دلالان در نهادهای قدرت می‌شود. بی‌جهت نیست که بسیاری از نمایندگان ذینفوذ مجلس و نهادهای دیگری مانند دیوان عدالت ستیز ادراک هر جا که پای منافع سرمایه داران در میان است، بسود آنها رای می‌دهند.

با این اوصاف باید گفت تا زمانی که این رژیم ستمگر و استثمارگر بر سر کار است، انتظار توجه به حقوق کارگر از آنها بيمورد است و بی‌نتیجه، اما این به آن معنی نیست که دست از اعتراض و مبارزه برای مطالبات رفاهی و بهبود آن دست کشید، خیر به هیچ روی چنین نیست، روشهای مبارزاتی را باید بر اساس تجربیات تغییر داد. برای مثال اعتراضات و تجمع‌ها در محل‌های کار را به اعتصابات سازمانیافته و هماهنگ



تبدیل کرد تا بتوان از آن نتیجه گرفت، در غیر این صورت امتناع حکومت و سرمایه داران سهمیم در قدرت برای رسمی کردن کارگران از این به بعد نیز تداوم پیدا خواهد کرد.



گزیده ای از شعارهای بازنشستگان تامین اجتماعی خوزستان اهواز، یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴/ارسالی به اتحادیه آزاد کارگران ایران

بازنشسته بپا خیز علیه ظلم و تبعیض/بازنشسته ،اتحاد اتحاد/بازنشسته کجایید ،با توپ پُر بیایید/کو مهار تورم ،دروغ نگید به مردم/تورم اسفبار،حاکم شده تو بازار/روسری رو رها کن/درد ما درد شماست،مردم به ما ملحق شوید/ننگ بر این بردگی،تاکی شرمندگی/از خوزستان تا گیلان، مرگ بر مدیران/کار جدید دولت،ایجاد رعب و وحشت/تامین اجتماعی ،از انحصار دولت، آزاد باید گرد/نه خواری،نه ذلت،ننگ بر این عدالت/درمان رایگان حق مسلم ماست/حاصل کار دولت،غارت جیب ملت/ای دولت دروغگو،حاصل وعده هات کو/نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه/ما رو بیچاره کردند ،از بس که غارت کردند/شورای عالی کار،حامی سرمایه دار/عدالتی ندیدیم،همش دروغ شنیدیم/ایران رو جادو کردند، پولها رو پارو کردند/درد ما درد شماست،مردم به ما ملحق شوید/جنگ افروزی کافیه،سفره ما خالیه/تا حق خود نگیریم،هر روز همین بساطه/کارگر زندانی، آزاد باید گردد/معلم زندانی، آزاد باید گردد/معترض زندانی، آزاد باید گردد





هستیم بر آن عهد که بستیم

مژگان باقری/ فعال صنفی معلمان فارس

سه سال از بازداشت‌های گسترده معلمان در اردیبهشت ۱۴۰۱ می‌گذرد بازداشت‌ها به دستور شورای عالی امنیت ملی و ظاهراً به بهانه دیدار چند فعال صنفی با یک زوج سندیکالیست فرانسوی صورت گرفت. اما این بهانه آنقدر بی‌اساس بود که نه در کیفرخواست بازپرس و نه در احکام صادره کوچکترین اشاره‌ای به آن نشد. دلیل اصلی بازداشت‌ها، تجمعات منظم، هدفمند و سازمان یافته معلمان بود در اعتراض به وضعیت نامناسب مالی و اختصاصاً درخواست اجرای رتبه‌بندی

جنبش معلمان مسالمت آمیزترین و مدنی‌ترین جنبشی بود که می‌توانست در اوج بحران مشروعیت حاکمیت، حلقه رابط بین مردم ناراضی و حاکمیت قرار گیرد و زمینه را برای تقویت جامعه مدنی و عقب‌نشینی گام به گام هسته‌ی سخت قدرت فراهم کند. اما چنین درک خردمندانه‌ای در ذهن حاکمان وجود نداشت. مضاف بر اینکه در همان ایام تئوریسین‌های استمرارطلب که به غلط نام اصلاح‌طلب بر خود نهاده‌اند تجمعات مدنی و متمدنانه معلمان را که در منطقه‌ی آشوب‌زده‌ی خاورمیانه اتفاقی نادر به شمار نامیدند **اعتراضات_مجاز#** می‌رود

کنایه از اینکه معلمان با چراغ سبز حاکمیت به خیابان آمده‌اند و قرار نیست هزینه‌ای پرداخت کنند، تنگ‌نظری حاکمان و تحلیل مغرضانه‌ی فعالان سیاسی دست به دست هم داد تا شورای عالی امنیت ملی دستور جمع شدن این تجمعات آرام را صادر و برای چندمین بار ثابت کند که حاکمان در مواجهه با بحران‌های کشور جز سرکوب مردم راه دیگری نمی‌دانند

کردستان، پرونده‌سازی‌های # و تهران#فارس، # بازداشت‌های گسترده در مناطق مختلف کشور بخصوص عجیب و غریب و نهایتاً اتهام مضحک اقدام علیه امنیت ملی و صدور احکام دو تا پنج سال زندان برای اکثر معلمان بازداشتی، حاصل همکاری گسترده نهادهای امنیتی با قوه قضائیه برای سرکوب جنبشی بود که اگر ذره‌ای خردمندی و هوشیاری در حاکمان وجود داشت باید با آغوش باز از آن استقبال می‌کردند برای فرار از بن‌بستی که حاکمیت به دلیل بحران مشروعیت سالها با آن دست و پنجه نرم می‌کرد زمانی که در یکی از جلسات بازجویی جمله مرحوم بازرگان را برای بازجویم تکرار کردم که

ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون با شما سخن می‌گوییم

هرگز پیش‌بینی نمی‌کردم چهارماه پس از آن خیزشی توسط جوانان خشمگین و جان به لب رسیده صورت بگیرد که زلزله ناشی از آن زندگی، تک تک ایرانیان را تحت تاثیر قرار دهد. جنبش زن زندگی آزادی محصول دهه‌ها سرکوب مردم و عدم پاسخگویی حاکمیت و ممانعت از برگزاری اعتراضات مدنی توسط نهادها و سازمان‌های مردمی بود

اکنون سه سال از سرکوب جنبش معلمان گذشته است. تقریباً تمام معلمان زندانی یا دوره محکومیتشان به پایان رسیده یا آزادی مشروط گرفته‌اند و یا مانند من دوران حبس با پابند الکترونیکی را می‌گذرانند



بی هیچ تردیدی می توان ادعا کرد که در این مبارزه ناعادلانه بین معلمان و حاکمیت، بازنده بزرگ حاکمیت بوده است تجربه ای که ما معلمان زندانی در این سه سال به دست آورده ایم چنان ارزشمند است که به تمام هزینه های پرداخت شده می ارزد. ما ناخواسته به درون زندان رفتیم و با افرادی آشنا شدیم که فرزند فقیر و محصول رانده شدن از نظام آموزش و پرورش طبقاتی کشور بودند ما در اتاقهای بسته ی دادگاه قضاتی دیدیم که همزمان به عنوان بازپرس و مدعی العموم نیز ایفای نقش می کردند! ما جنگ زرگری بازجوی خوب و بازجوی بد دیدیم و با بازپهای روانی بازجو با متهم به طور عملی آشنا شدیم. ما بی گناهایی دیدیم که به دلیل بی کفایتی افسر پرونده در ردیابی متهم، بازداشت شده بودند تا از این طریق متهم را وادار به تسلیم کنند.

این تجربه های ناب و دست اول برای ما که سالها دغدغه مسائل اجتماعی را داشتیم مانند یک گوهر گرانبها ارزشمند بود.

بر هیچ کس پوشیده نیست که حاکمیت با تشکل و سازماندهی سر ناسازگاری دارد. تشکل های صنفی از قدرتمندترین نهادهای مردمی برای کنترل قدرت حاکمیت و نظارت بر اعمال آن هستند و به همین دلیل دهه هاست که فعالین صنفی زیر تیغ فشار و مجازاتهای ظالمانه قرار می گیرند تا دست از فعالیت صنفی بردارند اما ما برای رسیدن به خواسته هایمان راهی به جز فعالیت مسالمت آمیز صنفی نمی شناسیم. حاکمیت ممکن است در کوتاه مدت بتواند فعالیت صنفی را به محاق ببرد اما بالاخره باید کوتاه بیاید و حق تشکلیابی و فعالیتهای مدنی را به رسمیت بشناسد. حاکمیت یک روز خواهد پذیرفت که پای خود را از خیابان که متعلق به مردم و میدان قدرت نمایی تشکل های صنفی است پس بکشد. آن روز هر چه زودتر بیاید به نفع مصالح کشور و مردم است وگرنه با بازداشت و هزینه تراشی برای فعالین صنفی فقط عرض خود می برد و زحمت ما می دارد این راهی است که نه با ما آغاز شده و نه با بازداشت ما به پایان می رسد ما به پایان خوش این راه ایمان داریم.

[10.05.2025 15:51] حامیان منشور مطالبات حداقلی

«چالش صنفی معلمان ایران در محکومیت زن کشی و قتل های موسوم به «ناموسی **بیانیه**»

ما، جمعی از معلمان دغدغه مند و پایبند به کرامت انسانی، با اندوهی عمیق و خشمی فروخورده، قتل های مکرر زنان به دلایل جنسیتی، عقیدتی و فرهنگی – که با عنوان «قتل های ناموسی» شناخته می شوند – را به شدت محکوم می کنیم.

این جنایات هولناک، نه تنها نقض آشکار حقوق بشر و حقوق زنان، بلکه بازتاب بحران های ریشه دار فرهنگی، **زن کشی**، محصول نادیده انگاشتن حقوق برابر انسانی #. اجتماعی و به ویژه آموزشی در کشور ما هستند. است؛ محصول نظام هایی که به جای ارتقای آگاهی، جهل، تعصب و خشونت را بازتولید می کنند.

ما با صدای بلند اعلام می کنیم

زن، جنس دوم نیست؛ بلکه عضوی برابر و ارزشمند از پیکره جامعه انسانی است.

بلکه انسانی مستقل، آزاد و صاحب اختیار سرنوشت خویش است. زن ناموس هیچکس نیست.



ما بر این باوریم بخش عمده‌ای از خشونت‌های ساختاری و رفتاری علیه زنان، ریشه در نظام آموزشی ایدئولوژیک، تبعیض‌آمیز و مردسالار دارد.

نظامی که به جای ترویج تفکر انتقادی، برابری جنسیتی و کرامت انسانی، کلیشه‌های پوسیده، تعصبات کور و ارزش‌گذاری‌های تبعیض‌آمیز را بازتولید می‌کند.

فعلی، نه تنها در مهار خشونت علیه زنان ناتوان بوده، **آموزش#** ما، معلمان، با صراحت اعلام می‌کنیم که بلکه با عدم آموزش حقوق انسانی، فقدان سواد عاطفی و جنسیتی، و تأکید بر نگاه‌های فرادست‌محور، خود به بخشی از بحران تبدیل شده است.

و **برابری_جنسیتی#** در این میان، کنار گذاشتن سند بین‌المللی آموزش ۲۰۳۰ که بر عدالت آموزشی، پرورش شهروند آگاه و متعهد به صلح تأکید داشت، یکی از آشکارترین نمونه‌های عقب‌گرد در سیاست‌گذاری آموزشی است. عدم اجرای سند ۲۰۳۰، نه تنها ما را از مسیر جهانی آموزش انسان‌محور دور کرد، بلکه باعث شد فرصت‌های ارزشمندی برای پیشگیری از نابرابری، خشونت و افراط‌گرایی از دست برود.

معلمان، خواستار بازنگری فوری و بنیادین در محتوا، ساختار و اهداف نظام آموزشی کشور **#** ما، به‌عنوان هستیم.

نظام آموزشی باید بستری باشد برای تربیت انسان‌هایی برابری‌طلب، آزاداندیش، و آگاه به حقوق و حرمت دیگران – نه محیطی برای پرورش خشونت و تبعیض.

چنانچه بی‌تفاوتی نهادهای مسئول ادامه یابد، جامعه معلمان سکوت نخواهد کرد.

ما سوگوار زنان کشته‌شده‌ایم، اما سکوت را برنمی‌تابیم.

از دل کلاس‌های درس تا بطن جامعه، صدای عدالت، آزادی و برابری را بلند خواهیم کرد.

چالش صنفی معلمان ایران

اردیبهشت ۱۴۰۴





اعتراضات سراسری دوشنبه های بازنشستگان مخابرات از چهارمحال تا تهران

اعتراضات سراسری بازنشستگان مخابرات روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت نیز با مشارکت وسیع بازنشستگان به رغم سکوت دولت و مدیریت این شرکت برگزار شد. شرکت کنندگان در تظاهرات ۲۲ اردیبهشت با تاکید بر خواسته های به حق خود از تداوم اعتراضات خود در هفته های آینده خبر دادند و علیه مدیریت این شرکت و دولت شعار دادند



تجمع حدود ۲ هزار از کارکنان ارکان ثالث مقابل وزارت نفت در تهران
تجمع کنندگان از شرکتهای نفتی مختلف برای شرکت در این اعتراض سازمانیافته که در ۱۷ اردیبهشت برگزار شد به تهران آمده بودند

در این تظاهرات کارگران شعار می دادند:

-وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه،--اسمش وزیر کاره، حامی پیمانکاره،

-.کارگر داد بزن حقو فریاد بزن،--حقوق عادلانه حق مسلم ماست-

معیشت_منزلت_حق_مسلم_ماست

اتحاد_اتحاد_علیه_فقر_و_فساد



تجمع کارگران آبدار خوزستان مقابل ساختمان استانداری

کارگران شرکتی آب و فاضلاب خوزستان در اعتراض به گسترش تبعیض و عدم دریافت چندین ماهه حقوق و اجرا نشدن صحیح طرح طبقه بندی مشاغل (۲۰ اردیبهشت ماه) مقابل استانداری تجمع کردند.

شورای سازماندهی
اعتراضات کارگران
غیر رسمی نفت
(ارکان ثالث)

شورای سازماندهی اعتراضات
کارگران پیمانی
نفت

از فراخوان دو هفته اعتراض علیه اعدامها حمایت میکنیم

سه شنبه ۲۳ اردیبهشت تا سه شنبه ۶ خرداد

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)

از فراخوان دو هفته اعتراض به اعدامها حمایت میکنیم



فراخوانی به موقع با سه امضای نهاد اعدام نکنید، نهاد دادخواهان و جمعی از خانواده های محکومین به اعدام، علیه اعدام ها داده شده است. این فراخوان همگان را به اعتراضی سراسری از تاریخ سه شنبه ۲۳ اردیبهشت تا سه شنبه ۶ خرداد دعوت میکند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) از این فراخوان حمایت میکند. همه با هم علیه اعدام به میدان بیاییم. اعلام کنیم که اعدام و کشتن انسانها با هر اتهام و جرمی ممنوع

چاره کارگران وحدت و تشکیلات مستقل است!

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>